

ضرورت تکوین و تدوین فلسفه هنر اسلامی (چالشها و راهکارها)

دکتر حسن بلخاری^۱

چکیده

رویکردهایی نظیر اوج‌گیری مطالعات نظری هنر در قرون هجدهم تا بیستم، موجب استقلال مطالعات نظری هنر از فلسفه و ظهور زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر در اندیشه غرب گشته، سبب رویکرد بزرگترین فلاسفه و اندیشمندان اروپایی به هنر، زیبایی و ماهیت آن گردید؛ لیکن ورود این رویکرد به نظام آکادمیک و تئوریک کشور ما از همان ابتدا با دو نقص و نقض بنیادین همراه بود:

۱. عضو هیأت علمی و قائم مقام پژوهشکده هنر (فرهنگستان هنر)

اولاً: این گونه مطالعات، خود با چالشی اساسی در فلسفه غرب روبه‌رو بود: آیا فلسفه هنر الزاماً با غور در آراء فیلسوفان حاصل می‌شود یا با تدوین تئوریهایی که هنرمندان خود در وضع آن نقش محوری دارند؟

ثانیاً: نسبت این گونه مطالعات با هنر اسلامی و ملی ایران به‌ویژه با توجه به فقر شدید مطالعات نظری هنر در کشور ما چیست؟

از دواشکال اساسی فوق‌الذکر، تحلیل و تبیین مورد اول، منظور و هدف این نوشتار نیست (گرچه در جای خود تأملاتی وسیع همراه با تحلیل و تبیین طلب می‌کند)؛ بلکه آن چه نقش محوری داشته، در درجه اول اهمیت قرار دارد. مسأله دوم می‌باشد؛ دقیقاً از آن رو که مسأله ملی و بومی ماست.

مناقشه در وجود و ماهیت هنر اسلامی (نه الزاماً از سوی کسانی که نقدهایی غیر علمی و نامستند بر این هنر دارند؛ بلکه از سوی برخی محققان و اندیشمندان بنام همچون برخی استادان دانشگاه هاروارد) موجب گشته اثبات مقوله‌ای به نام فلسفه هنر و معماری اسلامی به مراتب سخت‌تر و صعب‌تر از تشکیک در وجود و ماهیت هنر اسلامی باشد.

قصداً این مقاله، ابتدا آسیب‌شناسی وضع موجود است و سپس ارائه راهبردهایی که می‌تواند در حل مشکلات تا حدودی یاری رساند. امید که نگارش رساله دکتری در موضوع مبانی نظری و هنر و معماری اسلامی و ادراک مهمترین جنبه‌های این مسأله (همچون حضور ادله فراوان در ارائه قویترین مباحث نظری هنر توسط حکمای مسلمان البته نه با نیت تدوین فلسفه هنر که در پی اثبات مفاهیمی چون معاد و نبوت و رویاهای صادق است) به نگارنده امکان بررسی چنین موضوعی در مقاله‌ای مبسوط بدهد.

کلید واژه‌ها: علوم انسانی، فلسفه هنر اسلامی، آسیب‌شناسی، ایران، بومی سازی